**باسمه تعالی**

[اشاره: بحث از تزاحم واجبات ضمنیه در تنبیهات 1](#_Toc466222725)

[مرجح سوم: اسبقیت 2](#_Toc466222726)

[اقوال 2](#_Toc466222727)

[ادله 2](#_Toc466222728)

[دلیل قول یکم 3](#_Toc466222729)

[*ترجیح در مشروط به قدرت شرعی: عدم تفویت ملاک در فرض ترجیح* 3](#_Toc466222730)

[*عدم ترجیح در مشروط به قدرت عقلی: فعلی بودن ملاک متأخر با وجوب حفظ قدرت* 3](#_Toc466222731)

[دلیل قول دوم 4](#_Toc466222732)

[*عدم ترجیح در مشروط به قدرت عقلی: فعلی بودن ملاک متأخر با وجوب حفظ قدرت* 4](#_Toc466222733)

[*عدم ترجیح در مشروط به قدرت* شرعی: فعلیت هر دو تکلیف با شرط قدرت مطلقه 4](#_Toc466222734)

[استثنا 4](#_Toc466222735)

[دلیل قول سوم 5](#_Toc466222736)

[*ترجیح در مشروط به قدرت شرعی: عدم تفویت ملاک در فرض ترجیح* 5](#_Toc466222737)

**موضوع**: تعارض/مقدمات/تعریف/خروج تزاحم از تعریف /مرجحات/ مرجح سوم: اسبقیت

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث مرجح دوم «ترجیح به عقلی بودن قدرت» از مرجحات تزاحم تمام شد. و نوبت رسید به مرجح سوم «ترجیح به اسبقیت».

اشاره: بحث از تزاحم واجبات ضمنیه در تنبیهات

مرحوم محقق خویی قدس سره در واجبات ضمنیه مبنای جدیدی دارند که ابداع خود ایشان است، ایشان در واجبات ضمنیه قائل به تزاحم نیستند، در امثالی چون دوران امر بین «وضو» و «طهارت از خبث» را از مصادیق تزاحم ندانسته و تزاحم را مختص به واجبات استقلالیه میدانند. بحث از انکار تزاحم در واجبات ضمنیه از سوی ایشان إن شاء الله در ضمن تنبیهات خواهد آمد.

###### مرجح سوم: اسبقیت

برخی و شاید مشهور فقها قائل به ترجیح به اسبقیت هستند.

مراد از اسبقیت یعنی تقدیم یکی از متزاحمین که زمانش متقدم و اسبق است بر دیگری که زمانش متأخر و سابق است.

مثلاً کسی در ماه مبارک رمضان قدرت بر روزه گرفتن تمام ماه را ندارد، فقط قدرت دارد چند روز روزه بگیرد؛ او یا باید چند روز آغازین ماه مبارک را روزه بگیرد که در این صورت قدرتش تمام میشود، یا باید روزهای آغازین را افطار کند و چند روز مثلاً در اواسط ماه روزه بگیرد. در این فرع ظاهرا خلافی نیست که بایست قدرت را صرف در اسبق زمانی کند.

و مثلاً کسی قدرت بر ایستاده نماز خواندن در هر دو رکعت نماز را ندارد فقط قدرت دارد در یک رکعت بایستند، اگر در رکعت اول بایستد قدرتش تمام میشود و باید رکعت دوم را بنشیند، و اگر در رکعت اول بنشیند میتواند در رکعت دوم بایستند. مشهور در این فرع هم قائلند که قدرت را باید صرف در قیام رکعت اول کند.

این مرجح فروعات زیادی دارد که سید یزدی در عروة الوثقی متعرض آن شده است و مرحوم محقق خویی عمده آن فروعات را در محاضرات جلد سوم متعرض شده است

اقوال

در مسأله سه قول وجود دارد:

ـ ترجیح مطلقا (مشهور)

ـ عدم ترجیح مطلقا (محقق صدر)

ـ ترجیح در متزاحمین مشروطین به قدرت شرعی و عدم ترجیح در متزاحمین مشروطین به قدرت عقلی (محقق نائینی و خویی)

از آنجایی که اساس بحث در تزاحم سخن محقق نائینی است لذا ابتدا به بررسی تفصیل ایشان پرداخته سپس به بررسی انکار مطلق و در نهایت به بررسی قول قبول ترجیح مطلقا خواهیم پردخت بنابراین ترتیب بحث در نقد و بررسی به ترتیب زیر خواهد بود.

1. تفصیل
2. عدم ترجیح مطلقا
3. ترجیح مطلقا

ادله

دلیل قول یکم

برهان تفصیل محقق نائینی:

ترجیح در مشروط به قدرت شرعی: عدم تفویت ملاک در فرض ترجیح

اگر قدرت در متزاحمین شرعی باشد، قدرت مأخوذ در خطاب دخیل در ملاک است و با وجود قدرت بر اسبق مثلاً قیام در رکعت اول، ملاک آن فعلی است، اما ملاک قیام در رکعت دوم که زمانش نیآمده است فعلی نیست؛ و امر دائر است بین استیفای ملاک فعلی متقدم و عدم فعلیت و عدم تفویت ملاک متأخر و بین تفویت ملاک متقدم و استیفای ملاک متأخر، در اینجا تفویت ملاک فعلی متقدم بدون مجور و قبیح است اما با استیفای ملاک متقدم، وقتی زمان ملاک متأخر میرسد مکلف قدرت ندارد و ملاکی فعلی نشده است تا تفویت شود. عقل در چنین مواردی حکم میکند به اینکه کاری بکن تا ملاک فعلی از تو فوت نشود.

عدم ترجیح در مشروط به قدرت عقلی: فعلی بودن ملاک متأخر با وجوب حفظ قدرت

اگر قدرت در متزاحمین عقلی باشد، ملاک هر دو فعلی است چون مکلف قدرت دارد بر انجام هر کدام به تنهایی، هر کدام از متقدم و متأخر در ظرف خودش فعلی است و امر دائر است بین اتیان به متقدم و اسبق که در نتیجه ملاک متأخر تفویت میشود و بین اتیان به متأخر که ملاک متقدم تفویت میشود، و مجرد اسبق بودن یکی اثری ندارد تا مرجح شود لذا عقل اسبقیت را مرجح نمیبیند.

بله اگر یکی اهم باشد آن مقدم است اما ترجیه به اهمیت مرجح چهارم است که بحث آن در آینده خواهد آمد.

به تعبیر دیگر یا واجب معلق مورد پذیرش است یا مورد انکار.

اگر واجب معلق مورد پذیرش باشد، الآن دو وجوب فعلی است، زمان یکی مقدم است و زمان دیگر مؤخر، عقل میگوید هر دو واجب فعلی است و هر کدام را خواستی امتثال کن.

اگر واجب معلق مورد انکار باشد، فعلیت تکلیف متأخر ابتداء مورد انکار بوده و به فعلیت آن در زمان متأخر قائل هستید. لکن تکلیف متأخر با وجوب حفظ قدرت، فعلی است، چون ملاک متأخر فعلی است چون قدرت در آن عقلی است و مکلف قدرت بر تحصیل ملاک دارد و حفظ قدرت برای انجام تکلیف متأخر واجب است. بنابراین امر دائر است بین صرف قدرت در تکلیف متقدم کند و بین صرف قدرت در تکلیف متأخر، دلیل متقدم میگوید قدرتت را در من صرف کن و وجوب حفظ قدرت در متأخر میگوید قدرتت را در من صرف کن، و مجرد اسبقیت زمان مرجح نیست و مکلف مخیر است.

دلیل قول دوم

عدم ترجیح در مشروط به قدرت عقلی: فعلی بودن ملاک متأخر با وجوب حفظ قدرت

مرحوم محقق صدر برهان محقق نائینی را در عدم ترجیح در صورتی که متزاحمین مشروط به قدرت عقلی باشند را پذیرفته است و ترجیح را در متزاحمین مشروط به قدرت شرعی منکر است.

عدم ترجیح در مشروط به قدرت شرعی: فعلیت هر دو تکلیف با شرط قدرت مطلقه

برهان ایشان:

قدرت شرعی دو گونه است: 1. قدرت خاصه 2. قدرت مطلقه

قدرت خاصه یعنی در خصوص زمان تکلیف اگر قدرت پیدا کردی مکلف هستی. نظیر قصر و اتمام که شارع فرموده: «اگر حاضر بودی تمام بخوان» «اگر مسافر بودی قصر بخوان». تحصیل موضوع آنها واجب نیست برای مکلف لازم نیست کاری کند که مسافر شود تا قصر بخواند، در قدرت نیز اگر در خصوص زمان اگر قدرت پیدا کرد تکلیف وجود دارد. و اگر قدرت داشتی و قبل از زمان تکلیف قدرت را صرف جای دیگر کردی و در زمان تکلیف قدرت نداشتی موضوع محقق نیست و مکلف نیستی.

قدرت مطلقه یعنی و لو در یک زمان ـ قبل از زمان تکلیف ـ قدرت پیدا کنی مکلف هستی.

اگر قدرت قدرت خاصه باشد، واجب داعویت ندارد، تکلیف «اگر»ی است، «اگر قدرت داشتی» انسان میتواند تحصیل قدرت نکند، لذا تزاحمی بین متقدم و متأخر نیست.

اگر قدرت قدرت مطلقه باشد، با حصول قدرت برای مکلف در زمانی ـ و لو هر زمان باشد ـ تکلیف متأخر فعلی میشود، مکلف به در دو تکلیف قدرت دارد و هر دو تکلیف فعلی هستند و قیام در رکعت اول نیاز به حفظ قدرت ندارد و قیام در رکعت دوم نیاز به حفظ قدرت دارد، و عقل اینجا دو ندا دارد، یک بار ندا داده و میگوید «قدرتت را حفظ کن برای تکلیف متأخر» و یک بار ندا داده و میگوید «قدرتت را صرف واجب بالفعل کن». و دو تکیف مشروط به قدرت شرعی با هم تزاحم میکنند کما اینکه دو تکلیف مشروط به قدرت عقلی با هم تکاذب و تکافؤ داشتند.

استثنا

مرحوم محقق صدر طبق منبای خود تقیید هر واجبی به «عدم اشتغال به واجب کمتر» در دو تکلیف مشروط به قدرت شرعی به یک استثنا قائل است.

مرجح نبودن اسبقیت در دو تکلیف مشروط به قدرت شرعی در جایی است که اطمینان دارد موفق به انجام تکلیف متأخر میشود ولی چنانچه تکلیف متأخر یقینی الاشتغال نبوده و احتمال بدهد که ممکن است بمیرد و یا مانعی حاصل شود که نتواند متأخر را انجام دهد در این صورت باید تکلیف متقدم را انجام دهد.

دلیل قول سوم

ترجیح در مشروط به قدرت شرعی: عدم تفویت ملاک در فرض ترجیح

در نظر تحقیق ترجیح به اسبقیت در مشروط به قدرت شرعی واضح است، به همان بیان سابق.

مرحوم محقق خویی نیز ترجیح را واضح میدانند به همان بیان سابق، با صرف قدرت در تکلیف متقدم هیچ ملاکی تفویت نمیشود ملاک متقدم استیفا شده و ملاک مأخر فعلی نمی شود، اما در صورت عکس درست است که ملاک متأخر استیفا میشود اما ملاک متقدم تفویت شده و عبد در تفویت آن ملاک عذر ندارد.

تعبیر جهت تقریب به ذهن

با صرف قدرت در متقدم، تکلیف متأخر از فعلیت می افتد، قبل از انجام و در مرحله تزاحم مولا به هر دو چشم داشت هر دو تکلیف متقدم و متأخر را دوست داشت اما با صرف قدرت در متقدم و عجز از متأخر، مولا از متأخر چشم برداشته و این لحظه محبوب او نیست.

ادامه بحث را ملاحظه بفرمایید.